

مدل‌های هویت‌یابی همجنس‌گرایان: مطالعه مروری Homosexuality identification models: review study

Seyed Jalil Jebeli

M. A. in family Counseling, University of Tehran,
 Tehran, Iran.

sj.jebeli@ut.ac.ir

سید جلیل جبلی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

Identity exploration process is one of the most important tasks that everyone should do in life which is, in fact, the same answer to question of "Who am I". During the identification process, person initially concludes that "I am a man" or "I am a woman" which is named gender identity. After defining themselves, the person chooses a partner, that this choice represents his sexual orientation. But in society, there are people who are attracted to their same sex. In this regard, it must be said that less understanding of their identification process is available. In this paper, by using library studies method and taking notes and reading documents and collecting scientific material in international papers, in Persian and English languages in 1970-2019 it has been attempted to describe homosexuals identification models to be achieved the necessary and sufficient cognition of these people and finally can be used by mental health professionals to provide better counseling and psychological services to them. The findings indicated that there are six well-known models of homosexual identification that explain this process well. The conclusion is that the identification processes in homosexuals and heterosexuals are very different, and time and place factors have a profound effect on it.

Keywords: identity, homosexuality, homosexual's identification

چکیده

هویت‌یابی یکی از اصلی‌ترین تکالیفی است که هر فرد باید در زندگی آن را انجام دهد که همان پاسخ به سؤال «من کیستم» است. در طی فرایند پاسخ به سؤال «من کیستم»، فرد در ابتدا به این نتیجه می‌رسد که «من مرد هستم» یا «من زن هستم» که همان هویت جنسیتی است و در ادامه دست به انتخاب شریک عاطفی در زندگی می‌زند که این انتخاب، بیان‌کننده گرایش جنسی است. اما در جامعه، افرادی وجود دارند که در انتخاب شریک عاطفی خود به سمت هم‌جنس‌های خود کشیده می‌شوند. در این خصوص باید گفت کمتر شناختی از فرایند هویت‌یابی آنان در دسترس است. در این مقاله سعی شده است به روش پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای و یادداشت‌برداری و خواندن اسناد و جمع‌آوری مطالب علمی در مقالات بین‌المللی، منابع و مدل‌های مطرح هویت‌یابی در همجنس‌گرایان در پایگاه‌های فارسی و انگلیسی زبان از سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۹ به شناختی لازم و کافی نسبت به این افراد دست یابیم تا در نهایت نتایج به‌دست‌آمده، برای ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی بهتر به آنان مورد استفاده متخصصان بهداشت روان قرار گیرد. یافته‌ها مشخص کرد که شش مدل معروف در هویت‌یابی همجنس‌گرایان وجود دارد که این فرایند را به خوبی توضیح می‌دهند. نتیجه اینکه هویت‌یابی در همجنس‌گرایان و غیرهمجنس‌گرایان تفاوت‌های بسیاری با هم دارند و عوامل زمان و مکان به شدت بر روی آن تاثیر می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: هویت، همجنس‌گرایی، هویت‌یابی همجنس‌گرایان

ویرایش نهایی: فروردین ۹۹

پذیرش: اسفند ۹۸

دریافت: بهمن ۹۷

نوع مقاله: تحلیلی

مقدمه

واژه هویت در زبان فارسی، این‌همانی و همانستی معنا شده است و می‌تواند هم به فرد و هم به جمع تعلق یابد. بدین معنی هویت در افراد و آحاد یک ملت رخ می‌دهد و سپس اجتماع را در برمی‌گیرد. بنابراین هویت شامل مجموعه عوامل، آثار و نشانه‌هایی اعم از سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، شخصیتی، دینی است که یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌کند. هویت پدیده‌ای است که از من آغاز و به ما منتهی می‌شود. به عبارتی هویت فردی یعنی، آگاهی فرد نسبت به خود (سبحانی جو، ۱۳۸۳).

یکی از تکالیف عمده افراد در جامعه، یافتن پاسخی برای سؤال «من کیستم» است. پاسخ به این سؤال همان هویت است. اگرچه این سؤال قرن‌ها ذهن بشر را مشغول ساخته بود، اما اولین بار اریکسون^۱ به این موضوع پرداخته است. وی هویت را به‌عنوان پیشرفت مهم

شخصیت فرد و گامی به سمت تبدیل شدن به بزرگ‌سال ثمربخش و خوشحال، تشخیص داد (پاپالیا^۱، ۱۳۹۶). تشکیل هویت عبارت است از اینکه مشخص کنید چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید و تصمیم گرفته‌اید چه مسیری را در زندگی دنبال کنید. همچنین او بیان کرد که فرایند تشکیل هویت، فرایندی مادام‌العمر است (رفیعی، ۱۳۸۲).

به گفته اریکسون (۱۹۶۸)، افراد هویت خود را همانند کودکان با تقلید و الگوبرداری از دیگران شکل نمی‌دهند، بلکه آن‌ها این کار را با تغییر دادن و ادغام کردن همانندسازی‌های قبلی خود و تبدیل آن‌ها به «یک سازه جدید روان‌شناختی، که چیزی بیشتر از مجموع اجزای آن است» انجام می‌دهند. همچنین افراد به‌منظور شکل دادن به هویت خود باید توانایی‌ها، نیازها، علائق و تمایلات خود را به‌گونه‌ای محقق و سازمان‌دهی کنند که بتوانند آن‌ها را در بافتی اجتماعی ابراز کنند و نشان دهند (پاپالیا، ۱۳۹۶). در واقع فردی که با احساس اعتماد ضعیف به جوانی می‌رسد در یافتن آرمان‌هایی که به آن‌ها معتقد باشد مشکل دارد. آن‌هایی که خودمختاری یا ابتکار عمل کمی دارند، برای انتخاب کردن از بین گزینه‌ها، تلاش لازم را به خرج نمی‌دهند و آن‌هایی که فاقد احساس سخت‌کوشی هستند، نمی‌توانند شغلی را پیدا کنند که با تمایلات و مهارت‌های آن‌ها جور باشد (منصور و دادستان، ۱۳۹۱).

حال سوال اینجاست که آیا همجنس‌گرایان یک جامعه مانند دگرجنس‌گرایان آن جامعه فرایند هویت‌یابی را طی می‌کنند؟ باید گفت که شکل‌گیری هویت همجنس‌گرایانه روندی پیچیده و گاهی دشوار است. برخلاف دیگر اقلیت‌های جامعه (مثلاً اقلیت‌های قومی و نژادی)، بیشتر اشخاص همجنس‌گرا میان افرادی رشد می‌کنند که هم‌نوعشان نیستند و بنابراین قادر نیستند از آن‌ها درباره هویت خود بیاموزند و مورد تصدیق یا حمایت هویتی قرارگیرند. بسیاری از اشخاص همجنس‌گرا در جوامعی رشد می‌کنند که نسبت به همجنس‌گرایی یا بی‌اطلاعات یا رفتار خصمانه دارند (روساریو^۲، ۲۰۰۶).

روان‌شناسانی که در این حوزه فعالیت کرده‌اند، معتقدند که مراحل تشکیل هویت همجنس‌گرای مرد و زن از دو فرآیند قابل توجه تشکیل می‌شود؛ یکی تعریف خود و دیگری آشکارسازی. اولین فرآیند، تعریف خود به‌عنوان یک فرد همجنس‌گرا است. فرد در ابتدا متوجه می‌شود با همسالان همجنس‌ش متفاوت است و بعد از آن به دوستان همجنس خود جذب می‌شود و با آن‌ها صمیمی می‌شود. این افراد جوان معمولاً با چالش‌هایی از جمله قبول و یا انکار هویت مواجه می‌شوند. اگر جوان احساس کند که نگرش‌های همجنس‌گرایانه توسط خانواده، گروه‌های همسالان و جامعه پیامد منفی برایش خواهد داشت، تمایلی برای پذیرش هویت و گرایش جنسی نخواهد داشت (کار^۳، ۲۰۱۲).

تلاش برای انکار تجربیات و گرایش‌های همجنس‌گرایانه و اخذ یک هویت دگرجنس‌گرایانه بدون راهکار علمی برای همجنس‌گرایان و سایر عوامل دیگر ممکن است منجر به یک طیف وسیعی از اختلالات روانی از جمله افسردگی، استرس، غذاب وجدان، سوء‌مصرف مواد، فرار از زندان و خودکشی شود (بریج، تیلر لفور، چو و روسیک^۴، ۲۰۱۹؛ اژداسیس گروس، هپ، سیفریتز و بوپ^۵، ۲۰۱۹؛ بندر^۶ و همکاران، ۲۰۱۹؛ لوی بلز، جیویون، لوی و آپتر^۷، ۲۰۱۹؛ مک لارن^۸، ۲۰۱۶؛ بامس، گروسمن و راسل^۹، ۲۰۱۵). در مقابل، جایی که خانواده‌ها و جامعه حمایتگر باشند و تحمل تنوع گرایش‌های جنسی را داشته باشند و انجمن‌هایی جهت حمایت از این افراد وجود داشته باشد، فرد جوان ممکن است شروع به تشکیل هویت همجنس‌گرا کند و وقتی تعریف خود به‌عنوان همجنس‌گرا اتفاق می‌افتد، امکان آشکارسازی برای دیگران نیز باز می‌شود. لذا آشکارسازی پس از تعریف خود به‌عنوان همجنس‌گرا انجام می‌شود و در آن هنگام، فرد همجنس‌گرا می‌تواند به همسالان و خانواده و جامعه خود نشان دهد که او یک فرد همجنس‌گرا است (کار، ۲۰۱۲).

بر طبق آنچه که در بالا گفته شد، این چنین استنباط می‌شود که بیشتر چالش‌های عاطفی و هیجانی که فرد همجنس‌گرا در طول زندگی خود با آن مواجه می‌شود و می‌تواند پیش‌زمینه خودکشی در وی شود، به علت دید منفی جامعه و عدم توانایی خانواده‌ها در پذیرش هویت همجنس‌گرایانه آنان است. اما طبق پژوهش‌های نیکولوسی^{۱۰} (۱۳۹۶)، این چالش‌های عاطفی و روانی برخاسته از نوع گرایش آنان

1 Papalia

2 Rosario

3 Carr

4 Bridges, Tyler Lefevor, Schow & Rosik

5 Ajdacic-Gross, Hepp, Seifritz & Bopp

6 Bender

7 Levi-Belz, Gvion, Levi, & Apter

8 McLaren

9 Baams, Grossman, & Russell

10 Nicolosi

است نه دید منفی جامعه نسبت به آنان، چراکه در جامعه هلند که بهشت همجنس‌گرایان است و جامعه دید بسیار خوبی به این افراد دارد، بازهم آمار خودکشی در آنان ۳ تا ۵ برابر دیگر افراد جامعه است (نیکولوسی، ۱۳۹۶). پس طبق بیانات این دو گروه مختلف، نمی‌توان به طور دقیق بیان کرد که دلیل چالش‌های زیادی که همجنس‌گرایان با آن مواجه هستند برخاسته از کدام دیدگاه است. مشخص است که در کشور ما، هویت و گرایش جنسی و رفتارهای جنسی همجنس‌گرایانه، هنجار تلقی نمی‌شود و از سوی جامعه قابل تأیید نیست و به دید اختلال و انحراف به آن نگاه می‌شود (سروانی زنجانی و رفیع نژاد، ۱۳۹۶؛ فقیهی، شکوهی و پرند، ۱۳۸۷؛ درخشانی راد و مطیع، ۱۳۹۴). از این جهت احتمال می‌رود جوانان همجنس‌گرا در کشور ما از پذیرش هویت همجنس‌گرایانه سرباز بزنند و آن را انکار کنند و همان‌طور که گفته شد انکار کردن هویت و گرایش جنسی در این جوانان منجر به طیف وسیعی از اختلالات روانی و خودکشی می‌شود. بنابراین احتمال دارد که جوانان همجنس‌گرای ایرانی، خواه با گرایش مذهبی خواه غیرمذهبی، به دلیل پذیرفته نشدن هویتشان توسط جامعه و مذهب و یا بخاطر نوع گرایش جنسی آنان طبق گفته نیکولوسی، تحت چالش‌های شدیدی قرار گیرند و باعث مراجعه آنان به متخصصان بهداشت روان شود. لذا مشاوران باید دانش مورد نیاز در مورد این افراد و طریقه اداره کردن جلسات مشاوره‌ای با آنان را فرا بگیرند که لازمه آن در ابتدا شناخت این افراد به صورت عمیق است که یکی از راه‌های شناخت، بررسی فرایند هویت‌یابی در آنان است.

روش

مطالعه حاضر با جستجو به صورت مروری در متون موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی شامل Magiran, Iran Medex, SID, Google scholars, Pupmed, در فارسی و Gay, Homosexuals, Homosexuality and Homosexual identification در انگلیسی مربوط به سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۹ انجام گردید. مطالعات فراوانی در خصوص همجنس‌گرایی و حیطه‌های مربوط به آن بخصوص هویت‌یابی در پایگاه‌های انگلیسی زبان وجود داشت اما در پایگاه‌های فارسی زبان در زمینه مراحل هویت‌یابی همجنس‌گرایان تنها یک پژوهش پیدا شد. سپس در این مطالعه با بررسی متون حاصل از پایگاه‌های اطلاعاتی، تعریف همجنس‌گرایی و مدل‌های هویتی افراد همجنس‌گرا در جوامع مختلف مورد بررسی و بحث قرار گرفت.

یافته‌ها

باتوجه به مطالعات مرور شده در خصوص همجنس‌گرایی و مدل‌های مختلفی از هویت‌یابی در بین همجنس‌گرایان مشخص شد که چندین مدل معروف و کارآمد وجود دارد که در بحث روانشناسی و مشاوره مورد توجه روانشناسان قرار می‌گیرد از جمله مدل کاس^۱ (۱۹۷۹؛ ۲۰۱۴)، مدل سوفی^۲ (۱۹۸۶)، مدل ترویدن^۳ (۱۹۸۹)، مدل آلدرسون^۴ (۱۹۹۸؛ ۲۰۰۳)، مک کارن و فاسینگر^۵ (۱۹۹۶) و مدل جیلی (۱۳۹۷)، که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

مدل کاس (۱۹۷۹)

در این مدل، اعتقاد بر آن است که فرایند هویت‌یابی شامل شش مرحله است. مرحله اول، سردرگمی هویت^۶ است. در این مرحله فرد متوجه تفاوتش با بقیه می‌شود. در این مرحله فرد از خود می‌پرسد به‌راستی من چه کسی هستم؟ آیا واقعاً من یک همجنس‌گرا هستم؟ مرحله بعد، مرحله قیاس هویت^۷ هست. در این مرحله، فرد عواطف و احساسات خود را با یک دگرجنس‌گرا مقایسه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که من تنها کسی هستم که در دنیا به این شکل آفریده شده‌ام. مرحله بعدی مرحله تحمل هویت^۸ است. در این مرحله، فرد به این نتیجه می‌رسد که من همجنس‌گرا هستم، اما این همجنس‌گرا بودن را نرمال نمی‌داند و مجبور است آن را فقط تحمل کند. مرحله

- 1 Cass
- 2 Sophie
- 3 Troiden
- 4 Alderson
- 5 McCarn & Fassinger
- 6 Identity Confusion
- 7 Identity Comparison
- 8 Identity Tolerance

چهارم، مرحله پذیرش هویت^۱ است. در این مرحله فرد، همجنس‌گرا بودن خود را به‌صورت یک حالت طبیعی می‌پذیرد و آن را یک سبک زندگی می‌بیند و به سؤالات «چه کسی هستم؟» و «به کجا تعلق دارم؟» نیز در این مرحله پاسخ داده می‌شود. مرحله بعد، مرحله فخر هویت^۲ است. فرد به‌طور کامل به هویت خود و همجنس‌گرا بودن خود افتخار می‌کند و در فرهنگ همجنس‌گرایی غوطه‌ور می‌شود. مرحله آخر مرحله پیوند هویت^۳ است، در این مرحله فرد به‌طور کامل هویت خود را می‌پذیرد و سبک زندگی اجباری دگرجنس‌گرایانه گذشته خود را با هویت جدیدش پیوند می‌زند و شروع به رشد شخصیتی می‌کند و به یک فلسفه عمیق هویتی می‌رسد و به این نتیجه می‌رسد که هم دگرجنس‌گرایی و هم همجنس‌گرایی، سبک‌های زندگی طبیعی هستند و باید همدیگر را با هر گرایشی پذیرفت و هیچ تفاوتی بین همجنس‌گرایی و دگرجنس‌گرایی وجود ندارد (کاس، ۲۰۱۴).

مدل سوفی (۱۹۸۶)

در این مدل، فرض بر آن است که اولین مرحله در هویت‌یابی همجنس‌گرایان، مرحله آگاه‌شدگی^۴ است، یعنی فرد همجنس‌گرا متوجه می‌شود که با دیگران متفاوت است. مرحله بعدی، مرحله آزمایش و اکتشاف^۵ است، یعنی فرد گرایش خود را به‌بوته آزمایش می‌گذارد و در جستجوی ویژگی‌های هویتی خود برمی‌آید. در مرحله سوم، فرد هویت خود را می‌پذیرد و در اینجا فرد خود را همجنس‌گرا می‌شناسد که تحت عنوان مرحله پذیرش^۶ است. مرحله آخر مرحله یکپارچگی هویت است که در این مرحله، فرد به‌طور کامل هویت خود را می‌پذیرد و با دیگر دوستان همجنس‌گرا آشنا می‌شود و ارتباطات دوستانه گسترده‌ای را با هم‌گرایان خود برقرار می‌کند (سوفی، ۱۹۸۶).

مدل ترویدن (۱۹۸۹)

در این مدل، فرض بر آن است که فرد همجنس‌گرا برای توسعه هویت خود از چهار مرحله عبور می‌کند. مرحله اول حساس‌شدگی^۷ است. در این مرحله، فرد متوجه می‌شود که با دیگران متفاوت است، اما هنوز احساس می‌کند که یک دگرجنس‌گرا است. مرحله دوم، مرحله سردرگمی هویت^۸ است. در این مرحله، فرد سردرگم شده و دنبال این می‌رود که بفهمد واقعاً من کی هستم و به خود می‌گویم که من ممکن است همجنس‌گرا باشم. در این مرحله متوجه شاخص‌هایی می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که حتی از کودکی این تفاوت‌ها را داشته‌ام. در اواسط نوجوانی فرد وارد مرحله پذیرش هویت^۹ می‌شود و به این باور می‌رسد که من یک همجنس‌گرا هستم. در این مرحله، فرد وارد تحمل کردن هویت می‌شود و شاید هویتش را به‌عنوان همجنس‌گرا بپذیرد. آنان در این مرحله، هویت خودشان را برای دیگر همجنس‌گرایان آشکارسازی می‌کنند و خرده‌فرهنگ‌های همجنس‌گرایی را جستجو می‌کنند. مرحله آخر، مرحله تعهد هویت^{۱۰} است. مشخصه ورود به این مرحله، وارد شدن فرد همجنس‌گرا در یک رابطه عاشقانه و عاطفی با یک همجنس‌گرای دیگر است. فرد در این مرحله با هویت خود راحت است و آن را می‌پذیرد (ترویدن، ۱۹۸۹).

مدل مک کارن و فاسینگر (۱۹۹۶)

در این مدل اعتقاد بر این است که روند شکل‌گیری هویت همجنس‌گرایان از چهار مرحله تشکیل می‌شود. مرحله اول آگاهی هویت^{۱۱} است. در این مرحله فرد احساس می‌کند یک چیز متفاوت و عجیبی درون من است که من را متفاوت از بقیه کرده است. مرحله بعد اکتشاف هویت^{۱۲} است، در این مرحله فرد کشف می‌کند که نسبت به هم‌جنسان خود احساسات قوی عاطفی و جنسی دارد و با این جمله

-
- 1 Identity Acceptance
 - 2 Identity Pride
 - 3 Identity synthesis
 - 4 Awareness
 - 5 Tasting and Exploration
 - 6 Identity Acceptance
 - 7 Sensitization
 - 8 Identity Coafusion
 - 9 Identity Assumption
 - 10 Identity Commitment
 - 11 Identity Awareness
 - 12 Identity Exploration

برای یک همجنس‌گرا مشخص می‌شود که «من می‌خواهم به مردان یا یک مرد خاص نزدیک شوم». مرحله سوم، مرحله تعهد هویت^۱ است. در این مرحله، فرد در مورد تمایلات جنسی خود شروع به خودشناسی و خودتکمیلی می‌کند و با این جمله مشخص می‌شود که «احتمال دارد با یک مرد که دوستش دارم ازدواج کنم»، همچنین در این مرحله، فرد در مورد دگرجنس‌گرایی که با همجنس‌گرایان رفتار مناسبی ندارد، ابراز عصبانیت می‌کند. آخرین مرحله نیز، مرحله درونی‌سازی هویت^۲ است که عشق عمیقی به همجنس به وجود می‌آید و هویت کلی فرد تحت جمله «من احساس عمیق درونی شده‌ای به همجنس دارم» شکل می‌گیرد. در این مرحله فرد، به صورت طبیعی رشد کرده و به همان تعداد که دوستان همجنس‌گرا دارد و وارد اجتماعات همجنس‌گرایان می‌شود به همان اندازه هم دوستان دگرجنس‌گرا دارد و با آنان نیز آزادانه در ارتباط است (مک کارن و فاسینگر، ۱۹۹۶).

مدل آلدرسون (۱۹۹۸، ۲۰۰۳)

این مدل، یکی از جدیدترین و کامل‌ترین مدل‌های مطرح‌شده در زمینه توسعه هویت همجنس‌گرایان است. در این مدل اعتقاد بر آن است که فرد همجنس‌گرا برای اینکه به هویتی کامل برسد باید از سه مرحله عبور کند. مرحله اول مرحله قبل از آشکارسازی برای خود^۳ است. در این مرحله، فرد تحت تأثیر اجتماع و شرایط اجتماعی است، هیچ شناختی از گرایش خود ندارد، فقط می‌داند که با بقیه متفاوت است و ممکن است که همجنس‌گرا باشد. این مرحله به تسریع‌کننده‌ها و موانع بستگی دارد. موانع برای سرکوب هویت همجنس‌گرایان مانند همجنس‌گراهراسی^۴ و رویکرد منفی در اجتماع به همجنس‌گرایی فعالیت می‌کنند، درحالی‌که تسریع‌کننده‌ها مانند نقل مکان از روستا به شهر بزرگ یا از شهر غیر لیبرال به شهر لیبرال، برای رشد و تصدیق هویت فعالیت می‌کنند. این فرایند به این امر اشاره می‌کند که یکی از تسریع‌کننده‌های اصلی، تأثیرات اجتماعی است درحالی‌که برخی از مذاهب می‌توانند برعکس این تسریع‌کننده‌ها باشند و به عنوان مانع عمل کنند. وقتی که فرد، هویت خود را به عنوان یک همجنس‌گرا شناخت، وارد مرحله آشکارسازی برای خود^۵ می‌شود. در این مرحله، فرایند همجنس‌گراهراسی و عوارض منفی آن برای فرد کاهش پیدا می‌کند و افراد یاد می‌گیرند که همجنس‌گرا بودن به چه معنی است. علاوه بر این، میزان تأثیرات و شناخت و رفتارهای همجنس‌گرایی برای فرد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در انجام این کار، فرد متوجه می‌شود که گرایش‌های همجنس‌گرایانه وی بر تمایلات دگرجنس‌گرانه‌اش غلبه دارد. در مرحله نهایی، فراتر از آشکارسازی^۶، چالش بالقوه جدیدی برای فرد همجنس‌گرا در زمینه یافتن ارتباط با خود، دنیای همجنس‌گرایان و دنیای دگرجنس‌گرایان پیش می‌آید و در ایجاد این ارتباطات، هویتشان را تقویت می‌کنند. بین مدل آلدرسون و کاس تفاوتی وجود دارد، کاس معتقد است بعد از انجام این مرحله، فرد به جامعه بازمی‌گردد و به صورت معمولی به زندگی خود ادامه می‌دهد اما آلدرسون مشخص می‌کند که در این مرحله، فرد هویت خود را جشن می‌گیرد و خود را یک سفیر برای افزایش درک و فهم مردم در اجتماع نسبت به همجنس‌گرایی می‌بیند. آلدرسون همچنین، مذهب و شرایط فرهنگی جامعه را دو مؤلفه اصلی در زمینه هویت‌یابی این افراد به شمار می‌آورد (آلدرسون، ۲۰۰۳).

همچنان که مشاهده شد، برخی از جنبه‌ها در اکثر مدل‌های خارجی تغییر نکرده و ثابت هستند و یا با نام‌های مختلف از یک مرحله یاد شده است که سندفورت^۷ (۲۰۰۰)، در کتاب مطالعات همجنس‌گرایان زن و مرد به آن‌ها اشاره کرده است. مدلی که وی در کتاب خود توضیح می‌دهد تقریباً اشتراک‌های بین تمامی مدل‌ها را نام برده است که عبارتند از حساس‌شدگی، سردرگمی هویت، پذیرش هویت، تعهد و آشکارسازی. از طرفی بیان می‌کند هویت‌یابی و آشکارسازی دو فرآیند مکمل هستند. باین وجود، این فرآیند بسیار وابسته به محیط اجتماعی و مذهب فرد است یعنی اگر بستر جامعه، خانواده و مذهب، هویتش را بپذیرد، بدون هیچ‌گونه مشکلی هویت خود را تثبیت و آشکارسازی می‌کند و اگر بستر جامعه نتواند با هویت او کنار بیاید و با دید مجرم و گنه‌کار و بیمار به او نگاه کند، فرآیند هویت‌یابی دچار چالش‌ها و بحران‌های فراوانی شده و وی را با طیف وسیعی از اختلالات روانی روبرو می‌سازد (کار، ۲۰۱۲). باین وجود، این روند همیشگی

-
- 1 Identity Commitment
 - 2 Identity Synthesis
 - 3 Befor Coming out to self
 - 4 Homophobia
 - 5 Coming out to self
 - 6 Beyond Coming out
 - 7 Sandfort

نیست و ممکن است میان افراد دگرباش (همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی) متفاوت باشد (راست^۱، ۱۹۹۳؛ مونته فلورز و اسپولتز^۲، ۱۹۷۸).

مدل جلی (۱۳۹۷)

این مدل که از فرایند هویت‌یابی مشارکت‌کنندگان همجنس‌گرای ایرانی در پژوهش جلی (۱۳۹۷) استخراج شده است، نشان می‌دهد همجنس‌گرای ایرانی برای رسیدن به هویت خود از شش مرحله عبور می‌کند. پنج مرحله اول به خود فرد وابسته و مرحله آخر به جامعه وابسته است. مرحله اول، حساس‌شدگی نام دارد. در سن ۵ سالگی به بعد، فرد همجنس‌گرا متوجه می‌شود که تمام تمایلاتش و منبع جذابیت برای او با اطرافیانش مغایر است و او را به سمت هم‌جنس خود می‌کشاند و اذعان می‌دارد به اینکه جذب صدا، بوی بدن و هیکل جنس موافقش می‌شود و به جنس مخالف هیچ کشش و تمایلی ندارد، لذا حساس شده و فکر می‌کند تنها کسی است که در دنیا این حس را دارد و به خود می‌گوید شاید این حس گذرا باشد و وقتی بزرگ‌تر شدم حل خواهد شد.

مرحله دوم سردرگمی هویت است. در این مرحله، فرد با سؤال‌هایی راجع به امیال جنسی و هویت خود روبرو می‌شود و با بیشترین چالش و دغدغه همراه است. در این مرحله، اکثر افراد سردرگمی فراوان، فشار روحی، احساس گناه و افسردگی زیادی را تجربه می‌کنند و از آنجایی که در تمامی مشارکت‌کنندگان در این دوره، نیاز جنسی نیز پررنگ‌تر می‌شود و بلوغ و حواشی آن نیز به گرایششان اضافه می‌شود، لذا اکثر آنان بیان می‌کنند که حتی خواب‌های عاطفی و جنسی همگی با محتوا و زمینه هم‌جنس‌های خود است. حتی با وجود اینکه قبل از دیدن آن خواب‌ها هیچ رابطه جنسی و عاطفی با هم جنس خود نداشته باشند؛ که خود این موضوع باعث می‌شود با سؤال‌های فراوانی مواجه شوند و اینکه نمی‌توانند خواب‌ها و سؤال‌هایشان را با کسی درمیان بگذارند، برایشان عذاب‌آور خواهد بود.

مرحله سوم، انکار هویت و بیزاری از خود است. در این مرحله فرد، وقتی متوجه می‌شود که این گرایش قرار نیست از او جدا شود، شروع به جستجو در این امر می‌کند و زمانی که متوجه می‌شود که به این گرایش، همجنس‌گرایی می‌گویند به دنبال تغییر گرایش خود برمی‌آید و دست به هرکاری می‌زند تا خود را تغییر دهد، بدین‌صورت که حتی اقدام به خودتخریبی و یا حتی خودکشی می‌کند. در این دوره عذاب وجدان‌ها و احساس گناه به فرد روی می‌آورد چراکه نمی‌تواند گرایش خود را قبول کند.

مرحله چهارم پذیرش هویت است. پس از آزمون و خطاهای بسیار در نهایت فرد متوجه می‌شود که در تغییر گرایش خود به شکست خورده است، لذا با اکراه تمام، هویت خود را قبول می‌کند که تنها می‌تواند یک مکانیسمی باشد برای فرار از فشارهای گسترده‌ای که تا به حال تحمل کرده است. در این مرحله پذیرش هویت به‌عنوان همجنس‌گرا را یک گرایش غیرطبیعی می‌داند که مجبور به پذیرش آن است.

مرحله پنجم مرحله تعهد هویت است. فرد پس از جستجوهای زیاد در مورد گرایش جنسی در متون علمی و مراجعه به مشاوران و روان‌شناسان، متوجه می‌شود که این گرایش بیماری و اختلال نیست و لذا در این مرحله به این دیدگاه می‌رسد که من یک فرد عادی و طبیعی هستم و گرایش من نیز عادی است، لذا به گرایش و هویت خود افتخار می‌کند.

مرحله آخر، میل به آشکارسازی است. بدین‌صورت که فرد می‌خواهد هویت خود را آشکار کند و به اطرافیان خود از هویتش خبر دهد اما متوجه می‌شود که جامعه او پذیرای هویتش نیست. لذا در اینجا دوباره با چالش‌های ارتباطی و عاطفی فراوانی مواجه می‌شود، به‌طوری‌که مجبور به خودسانسوری و ماسک زدن در جامعه می‌شود. این‌که فرد نتواند خودش باشد باعث چالش‌های فراوانی می‌شود. از طرفی بسیاری از این افراد به علت طرد نشدن از خانواده و اجتماع مجبور می‌شود که علیرغم اینکه هیچ کششی به جنس مخالف ندارند، با او ازدواج کرده که در نهایت برخی از آن‌ها دچار شکست در ازدواج شده و یا هم‌زمان در حین رابطه زناشویی خود با معشوقه همجنس خود نیز ارتباط خواهند داشت.

البته در نهایت اکثر آن‌هایی که بیان کردند برای خانواده خود آشکارسازی کرده‌اند، دومرتبه با چالش‌های عاطفی و روانی بسیاری روبرو بودند که از همین نکته می‌توان برداشت کرد که چالش‌های عاطفی آنان تنها برگرفته از دید منفی جامعه به گرایش آنان نیست، بلکه دلایل دیگری هم دارد که یافته نیکولوسی را پررنگ‌تر می‌کند و می‌توان گفت که چالش‌های آنان بیشتر از نوع گرایش آنان است تا دید منفی جامعه. لذا صرف پذیرش این هویت از سوی جامعه چالش‌های آنان را برطرف نمی‌کند.

1 Rust

2 Monteflores & Schultz

بحث و نتیجه‌گیری

همچنان که از پژوهش‌ها مشخص است، شرایط و بستر فرهنگی- مذهبی جامعه، به شدت بر روی هویت در این افراد تأثیر می‌گذارد و جوان همجنس‌گرا را به تثبیت هویتی و آشکارسازی هدایت و یا وی را مجبور به انکار هویتی می‌کند. هنگ^۱ (۲۰۰۷) معتقد است که به علت تغییرات در بطن جوامع در طول سال‌ها، به‌طور قابل‌توجهی این مدل‌ها تغییر کرده است. او مدل‌های توسعه‌یابی هویت در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که دیگر آن شرایط دشوار و کلیشه‌های اجتماعی دهه ۱۹۷۰ در جامعه غربی وجود ندارد. در دهه ۱۹۸۰، مدل عشق هیجانی به آن اضافه شد و مشخص شد که در چنین گرایشی، عشق به معنای واقعی کلمه، می‌تواند وجود داشته باشد که در این دهه هم‌زمان، مطالعات روی ایدز نیز در این افراد افزایش پیدا کرد و در نهایت در دهه ۱۹۹۰ یخ جامعه نسبت به این افراد آب و بستر جامعه‌پذیری این گرایش شد و با آنان به گرمی برخورد شد (هنگ، ۲۰۰۷). بنابراین می‌توان گفت که این مدل‌ها دائم در حال تغییر هستند و یکی از عامل‌های اصلی این تغییر، تغییر در نگرش افراد جامعه و بستر فرهنگی جامعه است که تا چه اندازه آماده‌پذیرش هویت این افراد باشد. باینکه مشخص شد که این مدل‌ها در حال تغییرند، اما جنبه‌هایی نیز وجود دارد که در تمامی مدل‌ها و در تمامی دوره‌ها ثابت هستند و تغییر نمی‌کنند، مانند احساس متفاوت بودن از بقیه، حساسیت و بی‌زاری از خود که در تمامی مدل‌ها رایج است.

در مدل ایرانی و غیرایرانی هویت‌یابی همجنس‌گرایان مشخص شد که عامل زمان و مکان یکی دیگر از عواملی است که بر فرایند هویت‌یابی این افراد می‌تواند تأثیرگذار باشد. چنانکه زندگی در روستاهای کوچک نسبت به شهرهای بزرگ‌تر و همچنین زندگی در جوامع غیرلیبرال نسبت به جوامع لیبرال و دموکرات می‌تواند به‌عنوان تسریع‌کننده مثبت، فرایند هویت‌یابی همجنس‌گرایان را سرعت بخشد و آنان را کمتر دچار چالش‌های عاطفی و ارتباطی کند. همین امر در رابطه با زمان نیز صدق می‌کند، چنانکه زندگی در قرن حاضر نسبت به زندگی در قرن ۱۹ این فرایند را سرعت بخشیده و از آنجایی که نگرش مردم، سال‌به‌سال نسبت به همجنس‌گرایان بهتر می‌شود و بیشتر پذیرای این افراد می‌شوند. بنابراین هویت‌یابی برای همجنس‌گرایان در سال ۲۰۱۹ بهتر و راحت‌تر از همجنس‌گرایان سال ۱۹۷۰ و قبل از آن بوده است، اما چالش‌های عاطفی و روانی آنان به این نسبت کمتر نشده است. بنابراین آنچه در این مدل‌ها پیداست، مؤلفه مذهب و فرهنگ و شرایط زمانی و مکانی هر جامعه می‌تواند نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت همجنس‌گرایان ایفا کند.

اینکه پذیرش از سوی جامعه و عدم پذیرش از سوی جامعه در قبال همجنس‌گرایان را مثبت یا منفی ارزیابی کنیم و اینکه آیا فرد همجنس‌گرا در هر جامعه‌ای در نهایت و به‌طور حقیقی به یک هویت منسجم و عاری از چالش‌های روانی و عاطفی می‌رسد یا خیر، پژوهش گسترده دیگری می‌طلبد. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران برای مطالعه در این زمینه به روی این موضوع توجه کنند که آیا بهزیستی فرد همجنس‌گرا منوط به پذیرش جامعه در خصوص گرایش‌شان است یا منوط به تغییر گرایش آنان.

منابع

- پاپالیا، دایان، ای؛ الذر، سالی وندکاس؛ فلدمن، روت داسکین (۱۳۹۶). روان‌شناسی رشد و تحول انسان. ترجمه داوود عرب قهستانی، هامایک آوادیس یانس، حمیدرضا سهرابی و همکاران، تهران: رشد.
- جیلی، سید جلیل (۱۳۹۷). ابعاد هویت در مردان جوان با گرایش به هم‌جنس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران.
- درخشانی راد، معصومه و مطیع، مهدی (۱۳۹۴). همجنس‌گرایی و ارائه برخی راهکارهای تربیتی از منظر اسلام و مطالعات روان‌شناختی در پیش‌گیری از آن. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.
- رفیعی، حسن (۱۳۸۲). اریکسون فرزند خود و معمار هویت. تهران: دانژه.
- سبحانی جو، حیاتی‌علی (۱۳۸۳). هویت و بحران هویت. مجله پیوند، ۳۰۱، ۳۸-۴۹.
- سروانی زنجانی، عزیز اله و رفیع نژاد، علی (۱۳۹۶). بررسی جرم همجنس‌گرایی در حقوق کیفری ایران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی.
- فقیهی، علی‌نقی، شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۷). آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی. دو فصلنامه علمی- تخصصی تربیت اسلامی، ۷، ۵۱-۸۰.
- منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۹۱). روان‌شناسی ژنتیک ۲. تهران: رشد.
- نیکولوسی، جوزف؛ نیکولوسی، لیندا ایمز (۱۳۹۶). فهم همجنس‌گرایی و راهنمایی والدین برای پیشگیری از آن. ترجمه: محسن بدره. تهران: آرما.

- Ajdacic-Gross, V., Hepp, U., Seifritz, E., & Bopp, M. (2019). Rethinking suicides as mental accidents: Towards a new paradigm. *Journal of affective disorders*, 252, 141-151.
- Alderson, K. G. (2003). The ecological model of gay male identity. *Canadian Journal of Human Sexuality*, 12(2), 75-85.
- Baams, L., Grossman, A. H., & Russell, S. T. (2015). Minority stress and mechanisms of risk for depression and suicidal ideation among lesbian, gay, and bisexual youth. *Developmental psychology*, 51(5), 688.
- Bender, T. W., Fitzpatrick, S., Hartmann, M. A., Hames, J., Bodell, L., Selby, E. A., & Joiner Jr, T. E. (2019). Does it hurt to ask? An analysis of iatrogenic risk during suicide risk assessment. *Neurology, Psychiatry and Brain Research*, 33, 73-81.
- Bridges, J. G., Tyler Lefevor, G., Schow, R. L., & Rosik, C. H. (2019). Identity affirmation and mental health among sexual minorities: A raised-Mormon sample. *Journal of GLBT Family Studies*, 1-19.
- Carr, A. (2012). *Family therapy: Concepts, process and practice*. John Wiley & Sons.
- Cass, V. C. (1984). Homosexual identity formation: Testing a theoretical model. *Journal of sex research*, 20(2), 143-167.
- Cass, V. C. (2014). Homosexual identity: A concept in need of definition. In *Origins of sexuality and homosexuality* (pp. 105-126). Routledge.
- Coleman, E. (1982). Developmental stages of the coming out process. *Journal of homosexuality*, 7(2-3), 31-43.
- Erikson, E. (1968). *Youth: Identity and crisis*. New York, NY: WW.
- Heng, K. (2007). Models that change: the study of gay identity development. *Proceedings of the 16h Annual History of Medicine Days*, 116-125.
- Lee, J. A. (1977). Going public: A study in the sociology of homosexual liberation. *Journal of homosexuality*, 3(1), 49-74.
- Levi-Belz, Y., Gvion, Y., Levi, U., & Apter, A. (2019). Beyond the mental pain: A case-control study on the contribution of schizoid personality disorder symptoms to medically serious suicide attempts. *Comprehensive psychiatry*, 90, 102-109.
- McCarn, S. R., & Fassinger, R. E. (1996). Revisiting sexual minority identity formation: A new model of lesbian identity and its implications for counseling and research. *The counseling psychologist*, 24(3), 508-534.
- McLaren, S. (2016). The interrelations between internalized homophobia, depressive symptoms, and suicidal ideation among Australian gay men, lesbians, and bisexual women. *Journal of homosexuality*, 63(2), 156-168.
- Monteflores, C., & Schultz, S. J. (1978). Coming out: Similarities and differences for lesbians and gay men. *Journal of social issues*, 34(3), 59-72.
- Rosario, M., Schrimshaw, E. W., Hunter, J., & Braun, L. (2006). Sexual identity development among lesbian, gay, and bisexual youths: Consistency and change over time. *Journal of sex research*, 43(1), 46-58.
- Rust, P. C. (1996). "Coming out" in the age of social constructionism: Sexual identity formation among lesbian and bisexual women. *Journal of Lesbian Studies*, 1(1), 25-54.
- Sandfort, T. (Ed.). (2000). *Lesbian and gay studies: An introductory, interdisciplinary approach*. Sage.
- Sophie, J. (1986). A critical examination of stage theories of lesbian identity development. *Journal of Homosexuality*, 12(2), 39-51.
- Troiden, D. R. R. (1989). The formation of homosexual identities. *Journal of homosexuality*, 17(1-2), 43-74.